اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۱۹)

رشد معنوی (۲۲)

نماز و سبک زندگی(۱۷)

پُرشده گی (۱)

یکی از سایتهای آتئیست نوشته بود که:

چرا خدا در قرآن گفته است که جهنم را از انس و جن پر میکند و او در ادامه مدعی شده بود که این یک حرف ضد انسانی است.

منظور این سایت این آیه قرآن بود که می فرماید:

وَ لَوْ شِئْنَا لَآتَیْنَا کُل نَفْس هُدَاهَا وَ لَکِنْ حَق الْقَوْل مِنّي لَأَمْلَأَن جَهَنَّم مِن الْجِنَّة وَالنَّاس أَجْمَعِین (سجده: ۱۳)

و اگر می‌خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را (از روی اجبار بدهیم) می‌دادیم ولی (من آنها را آزاد گذارده‌ام و) سخن و وعده‌ام حق است که دوزخ را از جنّ و انس همگی پر کنم!

در ادامه متوجه خواهیم شد که پرشدن جهنم به چه معناست. آیه دیگر می فرماید که جهنمیان در جهنم پُر میخورند و پُر میشوند. پرشدگی یکی از خصوصیات مهم جهنم و جهنمیان است.

فَإِنَّهُم لَآکِلُون مِنْهَا فَمَالِئُون مِنْهَا الْبُطُون (صافات: ۶۶)

آنها [مجرمان] از آن می‌خورند و شکمها را از آن پر می‌کنند!

فَمَالِئُون مِنْهَا الْبُطُون (واقعه: ۵۳)

و شکمها را از آن پر می‌کنید،

یکی از خصوصیات خود جهنم هم پرشدگی است. جهنم تا جایی که امکان داشته باشد، پر میشود. حتی در تورات هم گفته شده است که جهنم جایی تنگ و تاریک است. جهنم تاریک است، نه به این خاطر که در آن آتش وجود نداشته باشد، بلکه به این خاطر که هیچ نشانه و راهنمایی در آن وجود ندارد.

يَوْم نَقُول لِجَهَنَّم هَل امْتَلَأَت وَ تَقُول هَل مِنْ مَزِيدٍ (ق: ۳۰)

(به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنّم می‌گوییم: «آیا پر شده‌ای؟» و او می‌گوید: آیا افزون بر این هم هست؟!

باز در آیات متعدد دیگر، خدای رحمان اصرار بر پر کردن و پرشدن جهنم دارند:

قَال اخْرُج مِنْهَا مَذْؤُومَاً مَدْحُوراً لَمَنْ تَبِعَك مِنْهُم لَأَمْلَأَن جَهَنَّم مِنْكُم أَجْمَعِين (اعراف: ۱۸)

فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد می‌کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می‌کنم!

إِلاَّ مَنْ رَحِم رَبُّك وَ لِذَلِك خَلَقَهُم وَ تَمَّت كَلِمَة رَبِّك لَأَمْلَأَن جَهَنَّم مِن الْجِنَّة وَالنَّاس أَجْمَعِين (هود: ۱۱۹)

مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید! و فرمان پروردگارت قطعی شده که: جهنّم را از همه (سرکشان و طاغیان) جنّ و انس پر خواهم کرد!

لَأَمْلَأَن جَهَنَّم مِنْك وَ مِمَّنْ تَبِعَك مِنْهُم أَجْمَعِين (ص: ۸۵)

که جهنّم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!» (۸۵)

این پرشدگی در همین دنیا هم وجود دارد. مثلا همیشه اکثریت، حق را مسخره میکرده اند. به همین خاطر خدای رحمان به این گروههای حداکثری مَلَأً میگوید. این گروهها همیشه از نظر تعداد و نیرو و ثروت از مومنان بیشتر بوده اند.

وَ يَصْنَع الْفُلْك وَ كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْه مَلَأٌ مِنْ قَوْمِه سَخِرُوا مِنْه قَال إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُون (هود: ٣٨)

او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین گونه مسخره خواهیم کرد! (٣٨)

قَال الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِه إِنَّا لَنَرَاك فِي ضَلاَل مُبِين (اعراف: ٦٠)

(ولی) اشراف قومش به او گفتند: ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم!

قَال الْمَلَأُ الَّذِين اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِه لَنُخْرِجَنَّك يَا شُعَيْب وَالَّذِين آمَنُوا مَعَك مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُن فِي مِلَّتِنَا قَال أَوَ لَوْ كُنَّا كَارِهِين (اعراف: ٨٨)

اشراف زورمند و متکبّر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» گفت: «آیا (می‌خواهید ما را بازگردانید) اگر چه مایل نباشیم؟!

قَال الْمَلَأَ مِن قَوْم فِرْعَوْن إِن هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيم (اعراف: ۱۰۹)

اطرافیان فرعون گفتند: بی‌شك، این ساحری ماهر و دانا است!

وَانْطَلَق الْمَلَأَ مِنْهُم أَن امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَي آلِهَتِكُم إِن هَذَا لَشَيءٌ يُرَادُ (ص: ۶)

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته‌اند (شما را گمراه کنند) !

همانطور که آیات قرآن می فرمایند، جمعیت انبوه همیشه طرفدار ظلم و تمرد و حق کشی بوده اند. بنابراین خیلی طبیعی است که جهنم هم پر شود. اقوام گذشته از نظر قدرت، اموال و نفرات از اقوام فعلی خیلی قوی تر بوده اند. این یک قاعده اثبات شده قرآنی است که همیشه حق با اکثریت نیست. اگر از اکثریت پیروی کنید، گمراه می شوید.

كَالَّذِين مِنْ قَبْلِكُم كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُم قُوَّة وَ أَكْثَرَ أَمْوَالاً وَ أَوْلاَدَاً فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلاقِهِم فَاسْتَمْتَعْتُم بِخَلاَقِكُم كَمَا اسْتَمْتَع الَّذِين مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلاَقِهِم وَ خُضْتُم كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِك حَبِطَت أَعْمَالُهُم فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَة وَ أُولَئِك هُم الْخَاسِرُون (توبه: ۶۹)

(شما منافقان،) همانند كسانى هستيد كه قبل از شما بودند (و راه نفاق پيمودند بلكه آنها از شما نيرومندتر، و اموال و فرزندانشان بيشتر بود! آنها از بهره خود (از مواهب الهى در راه گناه و هوس) استفاده كردند شما نيز از بهره خود، (در اين راه) استفاده كرديد، همان گونه كه آنها استفاده كردند شما (در كفر و نفاق و استهزاى مؤمنان) فرو رفتيد، همان گونه كه آنها فرو رفتند (ولى سرانجام) اعمالشان در دنيا و آخرت نابود شد و آنها همان زيانكارانند!

خدای رحمان در آيه بالايی، قدرتها را به سه نوع کلی تقسيم ميکند که متمردين و اکثريت مردم دنيا به اين سه نوع قدرت افتخار ميکنند و آن را مايه استکبار خود ميکنند.

قُوَّة : نیرو، ادوات نظامی و جنگی، ماهواره ها، هواپیما، پهباد، موشک، بمب اتم و ...

أَمْوَالاً : قدرت مالی، طلا، زمین، منابع و ...

أَوْلاَدَاً : جمعیت میلیونی، نفرات، تعداد زیاد، انبوه جمعیت

این سه آیتم، مهمترین دستاویز مستکبران در طول تاریخ بوده است. البته خدا می فرماید که اقوام قبلی در تمام این سه مورد، از آیندگان قوی تر بوده اند. این است که دل خوش کردن به این سه نوع، یک خاصیت جهنمی است و زندگی را در دنیا به جهنم تبدیل میکند. دل خوش کردن به این سه، باعث وقوع جنگ و جدال در جهان خواهد شد. پر شدن این سه آیتم، انسانها را مغرور میکند و به جان دیگر ملتها می اندازد.

در اینجا به جواب سوال اولمان می رسیم. جهنم پر میشود، زیرا جهنمیان اینطوری میخواهند. حتی این دنیای فانی هم در بدترین حالتش به پرشدگی میرسد. پرشدگی های زیادی در دنیای فعلی وجود دارند. دستشویی های عمومی همیشه پر هستند و اکثرا هم کثیف. جاهایی که پر و مملو هستند، در این جاها طهارت و تمیزی نمیتواند بطور کامل رعایت شود. دستشویی های

عمومی معمولا کثیف هستند، زیرا افراد زیادی با تفکرات و برداشتهای متفاوت از بهداشت به آن رفت و آمد دارند. یکی از صفات جهنم و جهنمیان، مملو و پُر بودن و پُر شدن است. وضعیت شلوغی و پر بودن جهنم مثل دستشویی هایی است که هیچی در آن رعایت نمیشود و انواع تفکرات متضاد در آن جریان دارد. همین خاصیت؛ جهنم را غیرقابل تحمل میکند. در دستشویی هایی عمومی، کسی هیچ مسئولیتی را قبول نمی کند و به فکر نظافت جمعی و تاثیر آن در دیگران نیست و به این طریق محیط غیر قابل تحمل و غیرقابل اطمینانی بدست می آید.

دلیل کثیف بودن جهنم هم، وجود افکار متضاد در کنار هم است که هرکس ساز خود را میزند و همین باعث کثیف شدن آن میشود. هیچ گروهی در جهنم، گروه دیگر را قبول ندارد. جهنمیان فقط در آتش جهنم، اتفاق نظر دارند و گرنه همیشه با هم در جنگند.

قَال ادْخُلُوا فِي أُمَم قَدْ خَلَت مِنْ قَبْلِكُمْ مِن الْجِن وَالْإِنْس فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَت أُمَّة لَعَنَت أُخْتَهَا حَتَّي إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعاً قَالَت أُخْرَاهُم لِأُولاَهُم رَبَّنَا هَؤُلاَءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِم عَذَاباً ضِعْفاً مِن النَّارِ قَال لِكُل ضِعْف وَ لَكِنْ لاَ تَعْلَمُون (اعراف: ٣٨)

(خداوند به آنها) می‌گوید: «در صفّ گروه‌های مشابه خود از جنّ و انس در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می‌شوند، گروه دیگر را لعن می‌کنند تا همگی با ذلّت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می‌گویند: «خداوندا! اینها بودند که ما را گمراه ساختند پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.)» می‌فرماید: برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است ولی نمی‌دانید! (چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی بر اغوای مردم نداشتند.

روزی که پرشدگی بی فایده است و حتی اگر پُر زمین، طلا داشته باشی، سرنوشت را تغییر نمی دهد. روزی که بیمار شوید و ثروت و مال نتواند نجاتت دهد، یعنی پرشدگی بی فایده و بی ثمر.

إِن الَّذِين كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُم كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَل مِن أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْض ذَهَباً وَ لَوِ افْتَدَي بِه أُولَئِك لَهُم عَذَاب أَلِيم وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِين (آل‌عمران: ۹۱)

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیه (و کفّاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یك آنها قبول نخواهد شد و برای آنان، مجازاتِ دردناك است و یاورانی ندارند.

پرشدنهای زیاد دیگری در این دنیا هم وجود دارد. وقتی کسی را علیه کسی دیگر بشورانید و تحریک کنید، یعنی از نظر روانی پُر شده است. پُر شدن از نظر روانی، یعنی او را در مرحله ای از تصمیم گیری خطرناک قرار داده اید. وقتی کسی را علیه دیگری بشورانید، به‌ویژه با تحریک عاطفی یا ایجاد تنش، دیگر نمی‌توانید انتظار داشته باشید که تصمیم‌گیریهای منطقی و متعادل داشته باشد. کلا پرخوری، پرکردن، پرشدن، پر نگری، پرانتظاری و تمام پُرهای دیگر، جهانی مملو از عدم تعادل و ظلم ایجاد میکند. انسانها از پیامبران انتظار کامل بودن از هر نظر، داشتند. آنها نمی توانستند بپذیرند که پیامبران آدمهای عادی و معمولی هستند. آنها انسانی کامل و از هر نظر ایده آل و پُر می خواستند. احتکار و انبار کردن هم بر خاصیت پُرشدن می چرخند.

این پرشدنها، به‌ویژه وقتی در جامعه گسترش یابند، فضایی از رقابت، تنش و نا امنی ایجاد می‌کنند که در آن هر کسی سعی می‌کند خود را پُر کند، حتی اگر این کار به آسیب زدن به جامعه و دیگران منجر شود. با این پرشدنها،

دیگر جهان توازن و تعادل خودش را از دست میدهد و ظلمهای سیستماتیک در سایه همین پرشدنها شکل می گیرد. این شبیه جهنم است.

به افرادی که در نزدیکی نیروگاه های اتمی زندگی می‌کنند، معمولا به عنوان اقدام پیشگیرانه جهت محافظت از تشعشعات هسته‌ای، قرص یُد می دهند. این دارو مقدار ید درون غده تیروئید را به حد ماگزیمم می رساند و این پرشدن به بدن کمک می‌کند تا از جذب ید رادیواکتیو به ویژه یُد ۱۳۱ جلوگیری کند. زیرا این نوع یُد که از نوع رادیواکتیو است، مضر و سرطان زاست. کسانی که در معرض این آلودگی ها قرار دارند، مجبورند که برای حفاظت از خود از قرص ید استفاده کنند تا در آن محوطه، غده تیروئید پر از یُد باشد. این پر بودن برای حفاظت از خطری بزرگتر است. قرص ید با پر کردن مخزن ید غده تیروئید، جلوی جذب رادیواکتیو را می‌گیرد. البته این دارو فقط در شرایط اضطراری تجویز می‌شود و استفاده از آن بطور طولانی مدت، ممکن است باعث اختلالات تیروئید شود.

شاید پرخوری های داخل جهنم هم بخاطر فرار و گریز از خطرات بزرگتری است که در انتظار جهنمیان است. پرخوری در جهنم دلایل متعددی میتواند داشته باشد.

حتی پرخوری های این دنیا هم دلایلی دارند که اگر بررسی شوند، مشخص میشود که اینها برای فرار از یک خطر بزرگتر صورت می گیرد. با انتشار اشعه رادیواکتیو در یک شهر، میتوان آنان را مجبور به پرخوری ید کرد.

گاهی آدمیان جهت کنترل استرس، افسردگی و اضطراب و فرار از افکار مزاحم و منفی؛ تن به پرخوری میدهند. خستگی احساسی، تنهایی و سایر عوامل میتواند آنها را به سمت پرخوری بکشاند، تا بطور فیزیکی احساس تخلیه را در خود ایجاد کنند و این یک تسکین موقت است. انسانها زیاد می خورند تا که به مرحله تخلیه برسند و به این طریق حس تخلیه را میخواهند به خود بدهند و به این طریق فکر میکنند که از نظر روانی هم تخلیه شده اند. در حالی که اصل مشکل حل نشده است و فقط روان گردانی و به تاخیر انداخته شده است. به این طریق یک چرخه و روش حل باطل برای یک مشکل روانی بوجود میاید که باید تا ابد تکرار شود. همین تکرار بمرور منجر به افزایش تصاعدی پرخوری میشود. توجه شود که وقتی از پرخوری صحبت می کنیم، منظورمان فقط پرخوری تغذیه نیست و بلکه پرخوری های روانی هم هست.

در روم باستان، اشراف و طبقه ثروتمند در مجالس مخصوص شبها پرخوری می کردند و بعد از مجلس بیرون آمده، به روشهای مختلف به خود فشار می آوردند تا که استفراغ کنند تا جا باز کنند و دوباره بخورند. تا چندین بار این

کار را انجام می دادند و گاه بیهوش می شدند. این عمل حال به همزن و کثیف، بخاطر تزریق حس تخلیه به خود بوده است. آنها تخلیه جسمی را با تخلیه روانی اشتباه گرفته بودند. آنها بخاطر فشار روانیی که رویشان بود، تن به اینجور تخلیه ها می دادند.

جهنمیان بخاطر دوری از خطر و اضطراب روانی، تن به پرخوری میدهند. آنها گرفتار افکار و پندار خود میشوند. آنها به خوردن بی رویه روی می آورند تا احساس دروغین خود کنترلی و تخلیه کاذب را در خود تزریق کنند. به این طریق آنان خود خواهان پرشدن و پر بودن بودند.

در دنیا، افراد برای فرار از خطر تشعشعات اتمی، قرص ید مصرف میکنند، بدون آن که به آن نیاز داشته باشند. آنها غده تیروئید خود را برای همیشه پر نگه میدارند تا از خطر بزرگتر دور نگه داشته شوند. کسانی که الکل مصرف میکنند، برای فرار از حل پارادکسها و تزریق حس پیروزی و خوشحالی روانی کاذب؛ این کار را میکنند. اما در دراز مدت، می‌تواند به وابستگی و اختلالات بیشتر منجر شود.

بعضی افراد هم به خود آسیب جسمی میزنند تا از درد روانی و پارادکس روانی فرار کنند. یکی با چاقو روی دست خودش خط میزد و آن را زخمی میکرد؛ از او پرسیدند که چرا اینطوری میکنی؟ در جواب گفت که اینها

شکستهای روانی من است. او به این طریق خود را تخلیه میکرد. او برای فرار از یک خطر بزرگتر به خود زنی روی آورده بود. اینها همگی راههای غلط و موقت برای مقابله با خطرات روانی جدی هستند و البته مشکل را ریشه ای حل نمی کنند و بلکه یک مسکن موقت هستند.

مردم به مطالعه های بی پایان یا سریالهای طولانی و البته با محتواهای جاهلانه و گاه خنثی، روی می آورند تا از افکار و پارادکسهای ذهنی فرار کنند. آنها با پر کردن ذهن خویش از مطالبی که چندان معنویت مهمی ندارد، قصد داشتند از استرس و مشکلات روانی و حل آن فرار کنند. مثلا جوانان ساعتها فوتبال نگاه میکنند و خود را به آن مشغول میکنند و به این طریق خود را آرام میکنند و این یک نوع پرخوری است و البته از یک جهت میتوان خالی خوری هم نامید. زیرا اینها معنویتی ندارند و فقط مثل مسکن عمل میکنند. تنها راه حل این است که در زمان و مکان حال زندگی کنیم و با واقعیتهای زندگی روبرو شویم و مشکلات و تضادها و پارادکسها را از نظر معنوی برای خود حل کنیم.

پرخوری های روانی در جنبه های مختلف زندگی میتواند بوجود آید. مثلا وسواس زیاد در بهداشت و یا پرخوری در مواقع استرس. یا کسی که آهنگهای غمگین زیاد گوش میدهد، یعنی پرخوری در احساس شکست و مظلوم نمایی.

شبها مخصوص خواب و یا عبادت است. اما افراد در شبها پرخوری میکنند تا از این دو فرار کنند. همه این روشها مکانیسمهای غلطی هستند که افراد با معنویت ضعیف آن را انتخاب میکنند. عشق و مفاهیم مربوطه، یک نوع پرخوری احساسی هستند. خدای رحمان تعطیلی شنبه ها را قرار داد تا مردم در آن روز آرام گیرند و در سنتها و فرهنگها و محتواهای اجتماعی حل و غرق نشوند. مردمان گذشته، هر هفت سال، زمینهای کشاورزی را یک سال کشت نمی کردند تا که زمین استراحت کند و به این طریق این سکون و آرامش را به خود و حتی زمین خود می دادند و از پرخوری مداوم دوری میکردند.

تمام این پرخوری ها، مثل قرص ید که تیروئید را پر می‌کند و مانع جذب ید رادیواکتیو می‌شود، ذهن و روان فرد مصرف کننده را پر می‌کنند و این پرشدنها پندار، رفتار، گفتار را به سمت خاصی هدایت می‌کند. مصرف قرص ید برای کسی که در معرض تشعشات اتمی بوده است، یک امر ناچاری است. اما همین هم ضررات زیادی برای مصرف کننده دارد.

بنابراین تاثیر اصلی این پرشدنها بر چرخه نیک است.

پر شدن پندار، پر شدن کردار، پرشدن گفتار ← خالی شدن کاسه صبر

وقتی اینها پرشوند، دیگر صبر بی معناست و خاصیت خودش را از دست میدهد.

حتی در ادیان باستانی، افراد جنگجو برای اینکه خود را وادار به خونریزی های زیاد بکنند، خون می خوردند و یا رجز می خواندند و به طرق مختلف از نظر احساسی خود را پر میکردند. رجز خوانی نوعی پرخوری روانی و احساسی است.

خدای رحمان از ابتدای خلقت، چهار ماه حرام گذاشته است تا بشر در این چهار ماه در جنگ وقفه ایجاد کند و دست از رجزخوانی و پرخوری روانی بکشد. این وقفه ها گرمی ها را می گیرد و آنان را از جنگ سرد میکند. قوانینی که خدا گذاشته است، بر مبنای ایجاد صلح و تعادل است.

پر شدن ذهنی یکی از روشهای شیطان برای وادار کردن افراد به ارتکاب بدی هاست. یا اینکه افراد چاکراهای خود را تحریک و پر میکردند تا معنویت کاذب را به خود تزریق کنند.

بدگوئی زیاد در مورد فردی باعث تحریک خشم علیه او میشود. زیرا بدگوئی زیاد یک نوع پرخوری است. زیاده روی در محبت، منجر به خلق رابطه های زشتی مثل عشق میشود.

اصرار خیلی ها برای شرکت در جشنها و جلسات، بخاطر خاصیت پرخوری در این جشنهاست. گاهی افراد برای فرار از یک پرخوری، به پرخوری دیگر مثل زیاده روی در ورزش، روی می آورند. از این گونه میتوان مثالهای زیادی زد.

پرخوری مبداء همه گناهان است. به همین خاطر است که خدای رحمان جهنم را پر خلق میکند و خاصیت پر بودن، جزو خواص لاینفک و همیشگی جهنم میشود. به این طریق تمام اعضاء جهنم هم بطور اتوماتیک و مادرزاد این خاصیت را به خود می گیرند. انسانها در جهنم در پرخوری مشترکند، ولی تنهایند. اگر چه جهنم جای تنگی است، ولی انسانها در آنجا تنهایند و با هم متضادند. در آخر الزمان که شباهت زیادی با جهنم دارد، انسانها تنهایند، تنهاتر از هر تنهایی.

شاید بپرسید که نقش نماز در اینجا چیست؟

پرخوری در اصل، همان پیوستگی روانی یا تغذیه ای است. همانطور که قبلا ثابت شد، نماز قطع کننده این نوع پیوستگی است و اگر نماز بجا نیاورده شود، این پیوستگی و پرخوری آدمی را جذب میکند و او را در خود هضم میکند. این است که نماز کلید اصلی حل این مشکل بزرگ است. تجربه ثابت کرده

است که اگر به وقتش نماز نخوانید، گرسنه می شوید بدون آنکه نیاز بدنی و نیاز به انرژی داشته باشید.

کسی که نماز بجا نیاورد، به سَقَر سپرده میشود. سقر خاصیت فیزیکی جهنم است که براساس پرخوری و پیوستگی بنا شده است. مثل یک بیابان که همه جایش مثل هم است و هیچ جدا کننده و نشانه ای زمانی مکانی در آن نیست و آدمیان در آنجا در زمان و مکان گم میشوند و برای همیشه فقط میخورند. سقر خیلی شبیه زندگی مدرن هم هست: آدمها در کانالهای مجازی و انواع تغذیه های گوناگون گم می‌شوند و زمان برایشان می‌گذرد بدون اینکه متوجه شوند. نماز به عنوان شکننده این چرخه سقر مانند عمل میکند. نماز یک زمان مشخص در روز است که بصورت منظم تکرار می‌شود؛ این نظم می‌تواند به تنظیم ساعت بدن هم کمک کند.

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۴۰﴾ در میان باغها از یکدیگر می پرسند (۴۰)
عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۱﴾ درباره مجرمان (۴۱)
مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿۴۲﴾ چه چیز شما را به سمت سقر سلوک داد (۴۲)
قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿۴۳﴾ گویند از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

سقر مثل یک بیابان بدون زمان و مکان است که بر تکرار بی نهایت بنا شده است و نماز انسان را از این بیابان روانی نجات میدهد. این بیابان میتواند در سایز کوچکتر در همین دنیا هم بوجود آید. اما فرق آن با سقر این است که سقر مخصوص و با خصوصیات پرخوری بنا شده است. تکرار بی پایان در این دنیا میتواند شبیه یک اسکرول بی پایان باشد که در شبکه های اجتماعی معمول است. یک اسکرول بی پایان براساس پیوستگی روانی شما. خیلی از شبکه های اجتماعی، با اسکرول کردن، دنیایی از مطالب برای شما بیرون میدهد که تمام شدنی هم نیست. اینها همان بیابان بی نهایت (سقر) است که بر پرخوری روانی بنا شده اند.

گم شدن در محتوا میتواند در زمینه غذا، سرگرمی و سایر جنبه ها هم اتفاق بیفتد. نماز با تعیین زمان‌های مشخص در روز، فرد را از گم‌شدن در زمان آزاد و بی‌ساختار و اسکرول بی نهایت و مصرف بی رویه محتواهای مجازی و غیر مجازی بیرون می‌کشد.

یونس در یک مقطعی، در محتوا گم شد. این حادثه برای آن موقع گم شدن در شکم ماهی بود. اما در زمان ما گم شدن در شکم ماهی میتواند طور دیگری

پیش آید. عبارت صَاحِب الْحُوت **می تواند به معنای کسی که نهنگ و محتوایی دارد و در آن گم شده است.**

فَاصْبِرْ لِحُكْم رَبّك وَ لاَ تَكُنْ كَصَاحِب الْحُوت إِذْ نَادَي وَ هُوَ مَكْظُوم (قلم: ٤٨)

اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی مباش در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند. (٤٨)

یونس در آن مقطع زمانی در محتوای نهنگ گم شد و این سردرگمی منجر به وارد شدن او به شکم نهنگ شد و اگر جزو تسبیح کنندگان نبود، تا زمان بعث در آن محتوا می ماند.

فَلَوْلاَ أَنَّه كَان مِن الْمُسَبِّحِين (صافات: ١٤٣)

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود ... (١٤٣)

لَلَبِث فِي بَطْنِه إِلَي يَوْم يُبْعَثُون (صافات: ١٤٤)

تا روز قیامت در شکم نهنگ (محتوایی که در پیش گرفته بود) می‌ماند! (۱٤٤)

البته خدای رحمان یونس را از آن مشکل نجات داد. خدا رسولانش را تنها نمی گذارد و آنان را نجات میدهد. حوت در عربی علاوه بر ماهی و نهنگ، به معنای موجودی بلعنده هم هست. نهنگ نماد بلعیدن است. هر چیزی گیرش بیاید چنان می بلعد که انگار از همان اول جزوی از وجود نهنگ بوده است. انسان در شکم نهنگ بلعیده میشود و در شکم نهنگ گم میشود. پرخوری در ظاهر نوعی خوردن است ولی در واقع پرخوری هم نوعی نهنگ است که انسان را می بلعد. انسان ابتدا فکر میکند که غذا میخورد ولی اگر پرخوری کند، در واقع غذا انسان را میخورد و در بیابان تغذیه گم میشود.

جهنمیان به ظاهر خیال میکنند که در سقر هستند؛ اما در واقع سقر آنان را بلعیده است. این موضوع ثابت میکند که افراد حتی بعد از مرگشان، در عالم مرگ تا روز قیامت در همان محتوا می مانند و همان پیوستگی را بصورت روانی ادامه میدهند، اگر چه از نظر کالبدی مرده اند؛ اما از نظر روانی به همان چرخه پیوستگی و محتوای روانی ادامه می‌دهند. بنابراین، فرد می‌تواند تا روز قیامت در همان حالت گم‌شده و بی‌هدف باقی بماند، زیرا خودش جلو این چرخه را نگرفته است. یونس در شکم ماهی، جلو این چرخه را گرفت و گفت:

وَ ذَا النُّون إِذْ ذَهَب مُغَاضِبَاً فَظَن أَنْ لَن نَقْدِرَ عَلَيْه فَنَادَي فِي الظُّلُمَات أَنْ لاَ إِله إِلاَّ أَنْت سُبْحَانَك إِنِّي كُنْت مِن الظَّالِمِين (انبیاء: ۸۷)

و ذا النون [یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت (امّا موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتها (ی متراکم) صدا زد: « (خدایا!) جز تو معبودی نیست! منزّهی تو! من از ستمکاران بودم!

به این طریق میتوان نتیجه گرفت که اگر کسی جلو این محتواها و چرخه ها را نگیرد، در آن ذوب میشود و در آن حل میشود و حتی بعد از مرگ، در همان محتوا می ماند و در روز بعث، وارد سقر میشود. انسان در همان چیزی که ذوب می‌شود، می‌ماند. در اینجا اهمیت نماز مشخص میشود. نماز از ذوب شدن افراد در محتوا جلوگیری میکند. در یک فیلمی، یک ویروس مخرب منتشر شد و خاصیت این ویروس طوری بود که به هر کسی سرایت می کرد، از نظر جسمی و ذهنی او را با هیولای اصلی متحد میکرد. بدون نماز، فرد در هیولایی به نام سقر هضم میشود و با آن یکی میشود.

بدون نماز، فرد در چرخه مصرف و تکرار می‌ماند. همانطور که در قسمتهای قبلی گفتیم، نماز یک سیستم نهی کننده و دفاعی علیه ذوب شدن در محتواست. که اگر نباشد، افراد در محتوا (شکم نهنگ) ذوب و گم میشوند و در نهایت در جهنم جزوی از محتوا می گردند. این همان هیزم شدن است. طبق فرموده قرآن، جن و انس هیزم جهنم خواهند بود. نماز جهت دارد، پس در مکان مشخص هستید و همچنین زمانهای مشخصی دارد، پس زمان را هم دارید و پس در زمان و مکان گم نمی شوید.

بعضی ها مدیتیشن را برای رهایی از این مشکل ایجاد کردند. اما مدیتیشن نوعی دیگر از غرق شدن در محتواست. مدیتشین غرق شدن در خود است، یک تکرار بی معنی در خودپردازی ذهنی.

پیامبر ابراهیم در محتوای اجتماعی زمان خودش، سه روش جالب را انتخاب کرد و به این طریق نگذاشت که در آن محتواهای غلط غرق شود.

ابتدا عزلت انتخاب کرد (أَعْتَزِلُكُم) **و بعد لفت ایدئولوژیک زد و گفت :** إِنِّي ذَاهِب إِلَي رَبِّي؛ **در نهایت لفت فیزیکی هم زد و گفت:** إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَي رَبِّي.

وَ أَعْتَزِلُكُم وَ مَا تَدْعُون مِنْ دُون الله وَ أَدْعُو رَبِّي عَسَي أَنْ لاَ أَكُون بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيَّاً (مريم: ٤٨)

و از شما، و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم و پروردگارم را می‌خوانم و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی‌پاسخ نمانم!

وَ قَال إِنِّي ذَاهِب إِلَي رَبِّي سَيَهْدِين (صافات: ٩٩)

(او از این مهلکه بسلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می‌روم، او مرا هدایت خواهد کرد! (٩٩)

فَآمَن لَه لُوط وَ قَال إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَي رَبِّي إِنَّه هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيم (عنكبوت: ٢٦)

و لوط به او [ابراهیم] ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او صاحب قدرت و حکیم است!

پس برای هر گونه ترک محتوایی، هم عزلت اولیه و بعد لفت ایدئولوژیک لازم است و در نهایت لفت فیزیکی. یعنی باید کامل محتوای غلط را ترک کرد. مصلحان کسانی هستند که محتواهای غلط و خطرناک را افشا میکنند.